



انترناسیونال ۳۷۱

اساس سوسیالیسم

انسان است.

سوسیالیسم جنبش بازگرداندن
اختیار به انسان است.



منصور حکمت

حزب کمونیست کارگری ایران

Worker-Communist Party of Iran

جمعه ۳۰ مهر ۱۳۸۹، ۲۲ اکتبر ۲۰۱۰

www.m-hekmat.com

جمعه ها منتشر میشود

Fax: 001-519 461 3416 anternasional@yahoo.com

سردبیر: کاظم نیکخواه

طرح ریاضت اقتصادی را نقش بر آب کنیم!

زندگی انسانی حق مسلم ما است. خود را برای ریختن به خیابانها و تظاهرات و اعتصاب در سراسر کشور آماده کنیم و طرح چپاولشان را نقش بر آب کنیم. مرگ بر سرمایه داری و دولت اسلامی اش! زنده باد سوسیالیسم!

چندین برابر دستمزدها است. پاسخ ما دست زدن به تظاهرات و اعتصابات گسترده و سراسری است. در کارخانه ها و دانشگاهها، در مدارس و ادارات و محلات شهرها متحد شویم، متشکل شویم و بگوئیم غذا و پوشاک و مسکن و بهداشت و تفریح و در یک کلام

کوه سنگین تر شده است و هنوز چشم طمع به سهم فقیرانه ما دوخته اند. پاسخ ما روشن است. یارانه دولتی به کالاهای اساسی نه تنها نباید حذف شود، بلکه باید افزایش یابد. پاسخ ما امتناع دسته جمعی از پرداخت پول آب و برق است. پاسخ ما طرح سراسری افزایش

حکومت سرمایه داران و دزدان میلیاردر میخواهد ریاضت اقتصادی را تحت عنوان "هدفمند کردن یارانه ها" به ما کارگران و مردمی که فی الحال زیر بار گرسنگی و فقر میچاله شده ایم تحمیل کند. میخواهند ما را از مصرف زیادی برحذر دارند! شرم بر دزدهای میلیاردر که ثروتهایشان از

راه حل سوسیالیسم است



حمید تقوایی

بحران حکومتی سرمایه در ایران آلترناتیو سوسیالیسم را بعنوان یک راه حل ممکن و میرم در برابر وضعیت موجود سیاسی- اقتصادی در ایران بجلو صحنه میراند. منظور من سوسیالیسم صرفا بعنوان هدف نهائی و استراتژی عمومی خلاصی از سرمایه داری نیست. به این عنوان سوسیالیسم در همه کشورها و مدتهاست که تنها راه حل است. نکته مهم اینست که در مورد ایران آلترناتیو سوسیالیسم پاسخ مشخص و فوری به بحران همه جانبه ای است که امروز سرتاپای نظام سرمایه داری و حکومت اسلامی آنرا فرا گرفته است.

سرمایه داری در ایران از نظر سیاسی و اقتصادی در حال فروپاشی است و خود این واقعیت ضرورت و مبرمیت سوسیالیسم را فریاد مینمزد. جامعه به سر حد انفجار رسیده است، اقتصاد خوابیده است، فقر و گرانی بیداد میکند و هر روز شدید تر و غیر قابل تحمل تر میشود، حکومت اسلامی مشروعیت و حقانیت خود را در مقیاس داخلی و جهانی و حتی برای جناحهای درونی خود تماما از دست داده است، و همه یک انفجار عظیم اجتماعی را انتظار میکشند. طوفانی در راه است: حکومتی ها با نگرانی بیکدیگر هشدار میدهند و مردم بیصبرانه مترصد فرصتند. این یک جامعه متعارف نیست، یک بشکه باروت است.

آنچه این وضعیت انفجار آمیز را بوجود آورده، همانطور که در مقاله هفته گذشته در انترناسیونال توضیح دادم، بحران حکومتی سرمایه در ایران است. از بدو بقدرت رسیدن جمهوری اسلامی کل بورژوازی ایران - و بورژوازی جهانی - با مساله حاکمیت در ایران

صفحه ۲



اعتصابات کارگری فرانسه را به تعطیلی کشانده است

اکثر مردم از اعتصاب حمایت میکنند

اقتصادی دولت سارکوزی در جریان است. این اعتصابات و راهپیمایی

در فرانسه موجی از اعتصابات سراسری در برابر سیاست ریاضت

صفحه ۳

صلح با طالبان و ادامه جنگ با مردم افغانستان

بهر روز مهر آبادی

۶۸ نفره در دومین جلسه خود برهان الدین ربانی را به ریاست انتخاب کرد. این شورا توسط دولت حامد کرزای تشکیل شده و

"شورای عالی صلح" کار خود را در اواسط مهرماه در افغانستان آغاز کرد. این شورای

صفحه ۸

کمپین برای آزادی کارگران زندانی

صفحه ۶

صفحات دیگر

جمهوری اسلامی و تحریمها! محمد شکوهی، صفحه ۶

سفر خامنه ای به قم و مشکل حکومت با "خواص"

غلام اکبری، صفحه ۷

گزارشی تصویری از تظاهرات برای آزادی فوری سجاد قادرزاده، هوتن کیان و دو خبرنگار و همچنین آزادی سکینه، صفحه ۲

۳۵۰۰ کارگر لاستیک بارز در آستانه اعتصاب مجدد

صفحه ۵

بازتاب هفته

آیت الله های دزد و قطع دست سارقین جزء

یاشار سهندی

مزاح اسلامی: در ایران جنبش زنان وجود ندارد

بهر روز مهرآبادی

دغدغه های احمدی مقدم و بهمنی که در

راه است

هادی وقفی

رژیم اسلامی "علی الحساب" گورش راگم کند!

غلام اکبری

صفحات ۵-۴

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

گزارشی تصویری از تظاهرات برای آزادی فوری سجاد قادرزاده، هوتن کیان و دو خبرنگار و همچنین آزادی سکینه



International Committee Against Stoning (<http://stopstoningnow.com>)

International Committee Against Execution (<http://notonmoreexecution.org>)

For more information contact:

Spokesperson: minaahadi@aol.com 0049-177-569-2413

کمک مالی به کمپین نجات سکینه را فراموش نکنید. لینک پی پل برای

واریز کمک: <http://countmein-iran.com/donate.html>

Tel: 0046-739318404

Fax: 0046- 8 6489716

markazi.wpi@gmail.com

دفتر مرکزی حزب

همچنان میبرم ترین مساله و در دستور روز مبارزه مردم است. رژیم بهرابت از دوره قبل از خرداد ۸۸ بی ثبات تر و بهم ریخته تر است و بحران سیاسی و اقتصادی بهرابت شدیدتر و وخیم تر شده است. خرداد ۸۸ سر آغاز یک دوره انقلابی است که همچنان ادامه دارد. هیچیک از مسائلی که به خیزش انقلابی سال گذشته شکل داد، فقر و سرکوب و بیحقوقی، نه تنها حل نشده اند بلکه حادثه شده و رژیم در حل آنها ناتوان تر و درمانده تر شده است. این دوره انقلابی تنها میتواند با تعیین تکلیف قدرت سیاسی در ایران، سرنگونی رژیم بقدرت انقلاب مردم و یا تثبیت آن در شکل یک حکومت متعارف سرمایه داری به فرجام برسد.

در چنین شرایطی است که سوسیالیسم نه بعنوان یک آرمان و هدف و شعار و استراتژی، بلکه بعنوان تنها راه حل فوری، واقعی و ممکن رهائی جامعه از وضعیت حاضر مطرح میشود و سر بلند میکند. نتیجه سی سال حکومت اسلامی سرمایه فلج کامل اقتصادی، یک بحران مزمن و عمیق سیاسی و اجتماعی و از هم پاشیدن کامل شیرازه جامعه بوده است. سیاستها و اهداف و منافع بورژوازی ایران و بورژوازی جهانی و دولتهایشان، نفس سیستم اقتصادی مبتنی بر سود و سودآوری سرمایه، در حالت متعارف و یا نامتعارف و در شکل اسلامی و یا غیر اسلامی، جزئی از صورت مساله و موجد این شرایط است و نه جزئی از راه حل. بورژوازی و حکومت اسلامی جامعه را به سر حد تلاشی و به قعر فقر و بیحقوقی رانده است اما هیچ جامعه ای به مرگ تسلیم نمیشود و خودکشی جمعی نمیکند. کارگران، توده مردم رانده شده بزیر خط فقر، زنان و جوانان و معلمان، راهی بجز اعتراض و مبارزه ندارند و هدف و پرچم این مبارزه به حکم شرایط عینی موجود تنها میتواند سوسیالیسم باشد. سوسیالیسم تنها راه برون رفت از بن بست حاضر است. سوسیالیسم یا بربریت، راه سومی وجود ندارد.*

از صفحه ۱

میکند و به مرکز صحنه سیاست و دستور روز مبارزات مردم میراند.

هیچ چیز مانند طرح حذف یارانه ها ماهیت سرمایه دارانه بحران جمهوری اسلامی را بیان نمیکند.

این یک طرح اقتصادی و کاملاً در انطباق با سیاست ریاضت اقتصادی سرمایه داری جهانی است. بعبارت دیگر جمهوری اسلامی قصد دارد یک سیاست اقتصادی شناخته شده سرمایه داری جهانی را که در بسیاری از کشورهای دیگر نیز پیاده شده، آنهم تحت عنوان هدفمند کردن یارانه ها و پرداخت کمک نقدی به خانواده ها، در ایران پیاده کند و با این حال کابوس "فتنه اقتصادی" و انفجار اجتماعی و شورشهای شهری لحظه ای راحتش نمیکند! ظاهراً انقلابی را فرو خوابانده اند، حکومتشان را سرپا نگهداشته اند و حالا فرارست مثل روسیه و شیلی و کشورهای اسکاندیناوی و چین و هندوستان و اروپای واحد و صدها کشور دیگر اقتصادشان را بر مبنای الگوی بانک جهانی سرو سامان بدهند و با این حال به رعشه مرگ افتاده اند! میخواستند "زفرم اقتصادی" کنند اما ناجا و سپاه و بسیجشان را به خط کرده اند و برخ مردم میکشند! نگرانی حکومتی ها کاملاً بیجاست. مشکل اقتصاد ایران سرمایه داری دولتی مدل روسی و یا دولت رفاه یا بحران وال استریت نیست، معضل سرمایه داری ایران و حکومت اسلامی جامعه بجان آمده ای است که از انقلاب ۵۷ تا امروز حکومت اسلامی سرمایه را نپذیرفته و بورژوازی ایران را با مساله مزمن بحران حکومتی مواجه کرده است. نگرانی حضرات بیجاست. طوفان عظیمی در راه است، طوفانی علیه کل نظام سرمایه داری در ایران با حکومت اسلامی و بحران و بن بست و ناجا و طرح جراحی اقتصادیش.

این طوفان فی الحال با خیزش انقلابی میلیونی مردم ایران از خردادماه سال گذشته آغاز شده است. جمهوری اسلامی اولین برآمد این طوفان سیاسی را فرونشاند اما مساله تعیین تکلیف قدرت سیاسی

راه حل سوسیالیسم است...

روبرو بوده اند. نه جمهوری اسلامی توانسته است شرایط متعارف تولید و بازتولید سرمایه داری را در ایران فراهم کند، و نه بورژوازی قادر بوده است آنرا با حکومت مطلوب خود - حال به شیوه تدریجی و یا رژیم چنجه - جایگزین کند. این اساس کشمکش مزمن و پایان ناپذیری است که بین رژیم اسلامی از یکسو و نیروهای اپوزیسیون بورژوازی و دولتهای غربی از سوی دیگر وجود دارد و مدام حادثه میشود.

در مقابل کل این وضعیت، در برابر جمهوری اسلامی و کل نیروهای بورژوازی بومی و جهانی و در حاکمیت و در اپوزیسیون با تمام اصطکاکها و کشمکشهایشان، طبقه کارگر و توده مردمی که با انقلاب ۵۷ بحران حکومتی حاضر را به بورژوازی تحمیل کردند قرار گرفته اند. وسعت و ابعاد اعتصابات کارگری، مبارزات دانشجویان و جوانان، مبارزه زنان برای رهائی، و شورشها و قیامهای شهری در دوره حاکمیت جمهوری اسلامی - از جمله و بویژه انقلابی که در خرداد ماه سال گذشته سر بر آورد - در تاریخ معاصر ایران بیسابقه بوده است. جمهوری اسلامی از همان بدو بقدرت رسیدن از لحاظ ایدئولوژیک و اجتماعی و سیاسی وصله ناجوری به تن جامعه ایران بوده است و بهمین دلیل مدام بوسیله مردم پس زده شده است. اما همین حکومت با تمام ناخوانیش با شرایط ایران و با تمام توحش و بربریت قرون وسطائی اش تنها حکومت ممکن سرمایه داری در ایران است. بن بست و بحران و لاعلاجی سیاسی - اقتصادی این رژیم در واقع لاعلاجی و بن بست کل نظام سرمایه داری را عیان میکند و در برابر همگان به نمایش میگذارد.

ما همیشه بر این واقعیت تاکید کرده ایم که جمهوری اسلامی توحش و گنبدگی و انحطاط سرمایه داری دوران ما را نمایندگی میکند و اکنون بحران سیاسی - اقتصادی که بدنبال خیزش انقلابی سال گذشته گریبان حکومت را گرفته است بیش از پیش این واقعیت را برجسته

اساس سوسیالیسم انسان است!

اعتصابات کارگری فرانسه را ... از صفحه ۱



شهلا دانشفر

آورده و اغلب شهرهای این کشور و بیش از همه پاریس و مارسای را به تعطیلی کشانده است. اعتصابات اخیر در واقع در راستای واکنش سراسری مردم اروپا علیه بحران اقتصادی سرمایه داری و اتخاذ سیاست ریاضت کشی اقتصادی در ۲۷ کشور اروپای واحد است. سیاست های سختگیرانه اقتصادی ای که از سوی دول اروپایی برای جبران کسر بودجه های دولتی و تخفیف بحرانها در دستور کار گذاشته شده و جوامع اروپایی را هر روز قطبی تر کرده و مبارزه طبقاتی را شدت بیشتری داده است.

در همین راستاست که هم اکنون همراه با فرانسه، ایتالیا نیز در جنب و جوش اعتراضی است و انگلیس هم در پی این حرکت دارد به جلو می آید و بطور مشخص در سطح بسیاری از کشورهای اروپا ما شاهد عروج تازه جنبش کارگری هستیم. از جمله تظاهرات صدها هزار نفره کارگری در ۲۹ سپتامبر در بروکسل که به فراخوان کنفدراسیون اتحادیه های کارگران اروپایی و در سطح کشورهای عضو اتحادیه اروپا برپا شد، بطور واقعی نقطه عطفی در این روند و جنبش سراسری کارگری در اروپا و در سطح جهان بود. تظاهراتی که با شعارهای نه به سیاست ریاضت اقتصادی، بار بحرانها را بر دوش ما کارگران نیندازید، به جلو آمده و دول حاکم را نشانه رفته است و خود حاکی از شکل گیری یک صف بندی جدید جهانی کارگری است. شعارها و خواست های کارگران در این اعتراضات هر روز رادیکال تر میشود و کنترل بطور واقعی از خواست واره و اتحادیه های کارگری خارج شده و این کارگرانند که راه خیابان و اعتصاب را برگزیده و اتحادیه ها را با فشارشان به پشت خود کشیده اند. روندی که بطور واقعی بیش از پیش نشانگر بی

پاسخی اتحادیه های کارگری و بن بست آنها در قبال این جنبش است. به این معنی که در برابر این رادیکالیسم، اتحادیه های کارگری و احزاب سنتی کارگری اروپا از یکسو زیر فشار کارگران قرار دارند و ناگزیر به استقبال اعتصابات دامنه دار میروند و از سوی دیگر همچنان راه وسط را جستجو کرده و همه تلاششان هدایت مبارزات کارگری به مجاری قانونی و ترمیم نارسایی های سرمایه داری موجود است. در دل چنین شرایطی است که فرانسه با اعتصاباتش و با ابعاد اجتماعی و گسترده مبارزات کارگری به کانون پر جنب و جوش این اعتراضات تبدیل شده است.

در فرانسه چه میگذرد

دو ماه است که فرانسه به کانون پر جنب و جوش اعتراض در اروپا تبدیل شده است. مساله محوری اعتصابات کنونی در فرانسه، اعتراض به افزایش سن بازنشستگی از ۶۰ سال به ۶۲ سال و حداقل سن برای دریافت مستمری کامل این دوران از ۶۵ به ۶۷ سال و ناعادلانه بودن لایحه بازنشستگی دولت است. دلیلش هم روشن است، زیرا یک جنبه مهم این لایحه تبعیض علیه زنان است. از جمله زنانی که بدلیل زایمان و فشارهای فیزیکی فرسوده میشوند، باید تا سن ۶۷ سالگی کار کنند تا مشمول بازنشستگی شوند، در غیر اینصورت خسارت شغلی میبینند و بخش زیادی از مزایای بازنشستگی خود را از دست میدهند. یا در کارهای سخت و زیان آور کارگر باید تا سن ۶۷ سالگی کار کند تا بازنشسته شود و همینطور هستند کارگرانی که از سنین پایین شروع به کارگری کرده اند. و در سن پایین تری سنوات لازم برای بازنشسته شدن را طی کرده اند و اکنون با این لایحه این کارگران باید تا سن ۶۷ سالگی همچنان کار کنند. افزایش سن بازنشستگی و برداشت از صندوق بازنشستگی یکی از منابعی است که دولت سارکوزی برای تامین کسر بودجه دولتی خود به روی آن حساب باز کرده است. نیکلا سارکوزی و کریستین لاگارد، وزیر اقتصاد کابینه او، اصلاح قانون بازنشستگی را تنها راه برون رفت از بحران مالی می دانند. به گفته دولت صندوق بازنشستگی با سالانه ۳۲ میلیارد

یورو (حدود ۳۵ میلیارد دلار) کسری روبروست و بالا بردن سن بازنشستگی تا ۶۲ سال و در سالهای بعد تا ۶۷ سال، تنها راه تعدیل این کسری بودجه است. اعتراض به لایحه افزایش سن بازنشستگی در واقع جرقه ای شد بر شعله ور شدن خشم جامعه در مقابل سیاستهای سارکوزی در مواجهه با رکود اقتصادی دولت. از جمله رشد ۱۰ درصدی بیکاری به رشد نارضایتی جامعه از سیاستهای دولت محافظه کار حاکم شدت داده است. همچنین موضوع دیگری که در همین دور جدید اعتراضات در فرانسه خشم مردم را برانگیخت اخراج کولی های رومانی (روما) از ۱۳۰ شهر این کشور بود. در پی دستور سارکوزی به تخریب ۳۰۰ اردوگاه روماهای ساکن فرانسه، و تعطیلی اولین کمپ آنها در مرکز شهر سنت اتین که بیش از صد کولی در آن ساکن بودند، مردم نیز همراه با کولیهای رومانی دست به اعتراض زدند. در اعتراض به همه این فشارهاست که فرانسه اکنون به حال انفجار در آمده است. از جمله روزهای ۷ سپتامبر، ۲۳ سپتامبر، ۲ اکتبر، ۱۲ اکتبر، ۱۶ اکتبر، ۱۹ اکتبر همه و همه روزهای تظاهرات های وسیع و میلیونی کارگران با شرکت وسیع مردم در فرانسه بوده است. تظاهراتی که بعضا به کشاکش و درگیر شدن با پلیس فرانسه منجر شده و ابعاد اعتراضات به دانشگاهها و مدارس و بخش های وسیعی از جامعه کشیده شده است. از جمله در ۱۶ اکتبر در پی اعتصاب سراسری کارگران، شبکه خدمات عمومی، به ویژه حمل و نقل زمینی و هوایی مختل شده و بسیاری از پمپبنزینها به خاطر عدم دریافت بنزین، تعطیل شدند. به گفته اتحادیه های کارگری در این اعتصابات سراسری تمام ۱۳ پالایشگاه این کشور وارد اعتصاب شدند و نیز به خاطر اعتصاب کارگران بنادر، واردات سوخت از خارج هم متوقف شد. در ادامه این اعتراضات گسترده روز ۱۹ اکتبر (۲۷ مهر) در حالیکه جزئیات لایحه افزایش سن بازنشستگی به ۶۲ سال در مجلس سنای فرانسه برای تصویب به بحث گذاشته شده بود، تظاهراتی که آثرا ۳ میلیون برآورد کرده ند، برپا شد. تظاهراتی که معلمان و مدارس نیز آثرا همراهی کردند. اکنون گزارشها



دمکراسی خیابانی نیست که تعیین میکند چه قانونی تصویب شود. بدین ترتیب لب مطلب را در رابطه با دمکراسی پارلمانی بیان کرده است. اتحادیه های کارگری که روند اوضاع را از دست خود خارج می بینند، از یکطرف فراخوان به اعتصاب و اعتراض میدهند و از سوی دیگر با نگرانی اوضاع را دنبال میکنند. اکنون این اتحادیه ها هستند که بدنال کارگرانند. بعضا اتحادیه های حاشیه ای تر با تبلیغ به اینکه اعتصاب بی نتیجه است، دولت حاضر به قبول خواست های کارگران نخواهد شد، قانونی که به تصویب مجلس پارلمان رسیده باشد، پس گرفته نمیشود و اگر تصویب شد باید برویم سر کار، تلاش در آرام کردن و کنترل اوضاع دارند. اما کارگران میگویند قاطعانه می ایستیم و شعار "بار بحرانها را بدوش ما کارگران نیندازید"، را به پرچم خود تبدیل کرده اند. امروز کارگران نه تنها در فرانسه بلکه در اروپا و در کل جهان بیش از هر وقت کل این توحش سرمایه داری را در مقابل خود میبینند. ناکارایی اتحادیه های کارگری در جلو بردن اعتراضاتشان و نقش سازشکارانه شان را در عمل تجربه میکنند. با شعار بار بحرانها را بر شما خراب نکنید دولتها را به چالش کشیده اند. در واقع آنچه شاهدیم یک بن بست است. اگر سرمایه داری خواهد تداوم یابد باید ریاضت اقتصادی را به کارگران و مردم تحمیل کند. و اگر کارگران و مردم نخواهند به فقر و مشقت کشیده شوند باید نفس سرمایه داری را به چالش بکشند. راه دیگری وجود ندارد. کارگران در کشورهای مختلف با فریاد بار بحرانها را بدوش ما نیندازید، در واقع دارند مخالفت خود را با منطق سرمایه اعلام میکنند. *

در صفی انسانی و متحد، علیه حکومت اسلامی اعتراض کنیم

در رابطه با درگیری های اخیر در دانشگاه ارومیه

روزی ۱۶ مهر ماه درگیری ای میان دانشجویان و مردم در دانشگاه ارومیه روی داد که منجر به زخمی شدن تعدادی از دانشجویان و مردم در این درگیری شد. این درگیری در پی توهین تعدادی از دانشجویان به مردم ترک زبان شروع شد که با دخالت نیروی انتظامی تعدادی از دانشجویان دستگیر و مردم معترض متفرق شدند.

تقسیم مردم بر اساس قومیت و زبان و مذهب و غیره و سپس توهین و اهانت به مردم بخاطر زبان و ویژگی های بومی و ایجاد درگیری بر اساس چنین معیارهایی به جز ایجاد تفرقه و پراکندگی برای مردم و تقویت حکومت در مقابل مردم نتیجه ای ندارد، عامل اصلی ایجاد بستر چنین درگیری هایی حکومت اسلامیست. ممنوعیت استفاده از زبان مادری و سرکوب سیستماتیک مردم در مناطقی که می خواهند با زبان مادریشان صحبت کنند، چنین بستری را ایجاد کرده و در راستای تضعیف حقوق عمومی مردم محسوب می شود. چنین وضعیتی اساساً توسط جمهوری اسلامی برای ایجاد تفرقه و پراکندگی مردم و جلوگیری از اتحاد آنان در مقابل حکومت ایجاد شده و توسط خود حکومت و نیروها و احزاب قوم پرست و ناسیونالیست به آن دامن زده می شود و از طرف دیگر حکومت از چنین درگیری هایی برای ایجاد فضای نظامی و سرکوب عمومی

جامعه استفاده می کند. سازمان جوانان کمونیست همه دانشجویان و مردم ارومیه را فرا می خواند تا در صفی متحد و منسجم برای پایان دادن به چنین فضای آلوده و ناپرابری، برای ایجاد برابری همه انسان ها و برای آزادی و رفاه با پرچم انسانیت و طرح مطالبات به حق و انسانی خود مانند آزادی بی قید و شرط بیان، برخورداری از یک زندگی مرفه و برابر برای همه به میدان مبارزه با جمهوری اسلامی قدم بگذارند. جوانان و دانشجویان باید در مقابل سیاست های تفرقه افکنانه رژیم اسلامی هوشیارانه و آگاهانه بایستند و در مقابل به طرح مطالبات به حق و عمومی خود بپردازند. تحقیر و توهین به انسانها براساس زبان مادری و فرهنگشان مانند تحقیر و ستم بر زن و تحمیل فقر بر مردم بخشی جدایی ناپذیر از فقر و سرکوب عمومی در جامعه است که توسط حکومت اوباش اسلامی به جامعه تحمیل می شود. برای پایان دادن به چنین فضایی باید جمهوری اسلامی را با پرچم برابری همه انسان ها و آزادی برای همه، سرنگون کنیم.

نه قومی، نه مذهبی، حکومت انسانی
مرگ بر جمهوری اسلامی
زنده باد آزادی و برابری
سازمان جوانان کمونیست
۱۸ مهر ۸۸، ۱۰ اکتبر ۲۰۱۰

هیچ جوری نمیشود ماستمالی کرد. در این ابتدای قرن بیست و یکم وظیفه مهمی بر دوش ما مردم ایران است. انقلاب انسانی ما جواب ما به این قوانین سیاه قرون وسطی خواهد بود تا برای همیشه بساط جنایتکاری و توحش این نیروهای وحشی ضد بشری را جارو کند و جامعه ای انسانی برپا کنیم که هیچ کس در آن گرسنه و بی تامین نیمبند و نه فقط هیچکس برای تهیه نان شب ناچار به دزدی نمیشود بلکه تک تک مردم بدون استشنا از رفاه و زندگی ای درخور انسان برخوردار میشوند.*

است که چنین حکمی اجرا نمی شود و لذا در محیطهایی که این حکم اسلامی اجرا می گردد امنیت فوق العاده ای از نظر مالی در همه جا حکمفرما بود. "آن همه جایی" که ایشان میفرمایند دقیقاً اشاره به حکومت و بساط چپاول خودشان است. این جانیان همانقدر که آیه دارند که انسانهای فلک زده را قربانی کنند تا کل جامعه را بترسانند همانقدر آیه و احادیث دارند که دزدی خودشان را توجیه کنند. اما از سوی دیگر اگر میبینید "پژوهشگران دینی" (حجت اسلام های سابق) ساکتند برای این است که این دیگر آیه صریح خداوند مورد نظر ایشان است. این یکی را

اجرا در خواهد آمد. او قول داده است که به شدت ادامه خواهد یافت. این جانی با افتخار اعلام میکنند که یکسال است متهمان به سرقت را از برخی از حقوق مورد قبول همین حکومت محروم کرده اند و اضافه کرده است که "بهبیچ عنوان این متهمان از آزادی مشروط برخوردار نخواهند شد." در کنار این خبر داشتیم که مردی به جرم سرقت از یک قنادی در تهران نیز به قطع دست محکوم گردیده است. دادستان که در واقع اسم واقعی شان بیدادگستر میباشد مدعی است این جنایتها را "در راستای حفظ امنیت و منافع عمومی" انجام میدهد. ادعای بیشترمانه ای است چرا که وجود خود این چپاولگران جنایتکار هستند که بیشترین نا امنی را برای عموم ایجاد کرده اند. در سی سال حکومت اسلامی شرایطی فراهم آمده است که روز به روز جرمهایی از این دست یعنی دزدی در سطح وسیعی رخ میدهد. همین جناب بیدادگستر در مشهد میگوید در این شهر ۱۱ هزار زندانی دارند که فقط ۴ هزار نفر در چهار ماه گذشته اضافه گردیده است. "سرقت" یکی از شایع ترین "جرمها" در جوامع طبقاتی است این جرمی به قدمت پیدایش مالکیت خصوصی است. و راههایی که حکام مدافع مالکیت خصوصی در مقابل آن داشتند و دارند زندان و قطع اعضای بدن و اعدام است. قطع اعضای بدن بخصوص در کشورهای اسلام زده مانند ایران شایع ترین جرمی است که خود دولت مرتکب میشود. این حکمی است که به صراحت در قرآن آمده است در سوره مائده آیه ۳۸ خداوند این چنین فرموده است: "دست مرد دزد و زن دزد را به کیفر عملی که انجام داده اند به عنوان یک مجازات الهی قطع کنید، و خداوند توانا و حکیم است" بله خداوند همیشه با قساوت تمام، تمام توانایی و حکیم بودن خود را ثابت کرده است. و این خداوند کسی نیست جز حکام غارت گر ثروت مردم. آیت الله مکارم شیرازی که به گفته پالیزدار (از دست اندرکاران همین حکومت) از سارقان به نام اموال مردم است در دفاع از این حکم الهی با اشاره به عربستان سعودی که به شدت این احکام اجرا میگردند و ایشان مسرور از این قضیه هستند میفرمایند: "اگر ملاحظه می کنیم امروز دزدی فراوان است به خاطر آن

که به شدت ادامه خواهد یافت. این جانی با افتخار اعلام میکنند که یکسال است متهمان به سرقت را از برخی از حقوق مورد قبول همین حکومت محروم کرده اند و اضافه کرده است که "بهبیچ عنوان این متهمان از آزادی مشروط برخوردار نخواهند شد." در کنار این خبر داشتیم که مردی به جرم سرقت از یک قنادی در تهران نیز به قطع دست محکوم گردیده است. دادستان که در واقع اسم واقعی شان بیدادگستر میباشد مدعی است این جنایتها را "در راستای حفظ امنیت و منافع عمومی" انجام میدهد. ادعای بیشترمانه ای است چرا که وجود خود این چپاولگران جنایتکار هستند که بیشترین نا امنی را برای عموم ایجاد کرده اند. در سی سال حکومت اسلامی شرایطی فراهم آمده است که روز به روز جرمهایی از این دست یعنی دزدی در سطح وسیعی رخ میدهد. همین جناب بیدادگستر در مشهد میگوید در این شهر ۱۱ هزار زندانی دارند که فقط ۴ هزار نفر در چهار ماه گذشته اضافه گردیده است. "سرقت" یکی از شایع ترین "جرمها" در جوامع طبقاتی است این جرمی به قدمت پیدایش مالکیت خصوصی است. و راههایی که حکام مدافع مالکیت خصوصی در مقابل آن داشتند و دارند زندان و قطع اعضای بدن و اعدام است. قطع اعضای بدن بخصوص در کشورهای اسلام زده مانند ایران شایع ترین جرمی است که خود دولت مرتکب میشود. این حکمی است که به صراحت در قرآن آمده است در سوره مائده آیه ۳۸ خداوند این چنین فرموده است: "دست مرد دزد و زن دزد را به کیفر عملی که انجام داده اند به عنوان یک مجازات الهی قطع کنید، و خداوند توانا و حکیم است" بله خداوند همیشه با قساوت تمام، تمام توانایی و حکیم بودن خود را ثابت کرده است. و این خداوند کسی نیست جز حکام غارت گر ثروت مردم. آیت الله مکارم شیرازی که به گفته پالیزدار (از دست اندرکاران همین حکومت) از سارقان به نام اموال مردم است در دفاع از این حکم الهی با اشاره به عربستان سعودی که به شدت این احکام اجرا میگردند و ایشان مسرور از این قضیه هستند میفرمایند: "اگر ملاحظه می کنیم امروز دزدی فراوان است به خاطر آن

بازتاب هفته

مزاح اسلامی: در ایران جنبش زنان وجود ندارد

بهروز مهر آبادی

مینو اصلانی رئیس بسیج خواهران در گفتگو با خبرنگار ایلنا گفت: "چیزی به نام جنبش زنان در ایران وجود ندارد و کسانی که خود را مدعی دفاع از حقوق زنان می دانند از طرف کشورهای غربی و رژیم صهیونیستی و سازمان های جاسوسی تغذیه می شوند.... البته این حرکت های سیاسی که به اسم حقوق زنان راه اندازی شده است، آنقدر کم اهمیت هستند که اصلاً به چشم نمی آیند." احتمالاً خواهر اصلانی تا بحال در غارهای تورابورا در کنار برداران طالبان بسر می برده است و گرنه سخنان محمد تقی رهبر عضو کمیسیون فرهنگی مجلس اسلامی را شنیده بود که در مصاحبه ای خانم های بدحجاب را بزرگترین مشکل مملکت و بدحجابی را یک بلیه اجتماعی اعلام کرد و غضب خود را از حضور خانم های بدحجاب در اغذیه فروشی جنب دفتر امام جمعه و آرایش مهماندارهای هواپیمای نشان داد. و یا از ناله های فرمانده نیروی انتظامی اصفهان خبر داشت که دوچرخه سواری بانوان، والیبالی بازی و اسکیت بانوان را از جرم های آشکار در اصفهان دانست.

رئیس بسیج خواهران اگر سرش را از غار بیرون می آورد دلیل این را می فهمید که چرا آموزش و پرورش ۲۵ هزار مفتش بنام حجاب پژوه بسیج کرده تا بعنوان مدرسان عفاف و حجاب حضور داشته باشند و جنبش زنان در مدارس را سرکوب کنند. لازم نبود به خیابانهای شهرهای ایران برود و ببیند که زنان از هر فرصتی استفاده می کنند تا قوانین اسلامی را زیر پا بگذارند و بداند که فقط بر اساس آمارهای رسمی صدها هزار زن به این دلیل مجازات شده اند. ایشان کافی است یک صحنه از بسیج نیروهای انتظامی و حملات آنان به زنان را دیده باشد تا بفهمد یک جنبش وسیع و یک نبرد آشکار در جریان است. جنبشی که در طول ۳۱ سال حکومت اسلامی بوجود آمده و رژیم را به چالش گرفته است. جنبش زنان و وحشت جمهوری

اسلامی از این جنبش واقعی عینی در جامعه امروز ایران است. یک روز کنار زدن تبعیضات علیه زنان، یک روز نبودن قوانین آپارتاید جنسی و یک روز بی حجابی به معنای سرنگون شدن این حکومت است. این را هر کودک دبستانی نیز می داند. خواهر مینو اصلانی با انکار جنبش زنان قصد شوخی داشته ولی حواسش نبوده که فقهای اسلام به مزاح زنان بویژه در انظار عام نظر خوشی ندارند.*

آیت الله های دزد و قطع

دست سارقین جزء

یاشار سهندی

بار دیگر شقاوت اسلامی کار خودش را کرد و دست "سارقی" را به دستور خدا و قرآن و سنت رسول الله در ام القریای اسلام قطع کردند. در واقع دزدان میلیاردها دلاری دارند محکومین به فقر را به جرم دزدی یک کیک و یک لقمه نان مثله و علیل میکنند. شرم بر دزدان سرمایه دار! این عمل وحشیانه در زندان مشهد و به گفته دادستان مشهد پیش چشم زندانیان دیگری که متهم به سرقت بودند انجام پذیرفته تا آنها نیز "درس عبرت" بگیرند. اگر همین استدلال را که کل سیستم قضائی جمهوری اسلامی بر آن استوار است مورد توجه قرار دهیم روشن میشود که چقدر این سیستم ضد انسانی است. درس عبرت یعنی اینکه شما کسی را نه بخاطر جرم خودش بلکه برای درس آموزی دیگران قربانی کنید و خود این در هر حدی که باشد اعتراف به اجحاف و جنایت در حد قربانی است. اما قطع اعضای بدن کسی که به فقر و مشقت رانده شده و راهی جز دزدیدن لقمه ای از جایی پیش رویش نمانده برآستی توحش تمام عیار است. قربانی یک بار با فقر و بی چیزی و بی تامینی مطلق مجالده شده و یک بار هم با قطع اعضای بدنش برای همیشه علیل میشود و به مرگی تدریجی محکوم میشود. این اولین بار نیست که این حکم الهی به اجرا در می آید. همین امسال در مرداد ماه در زندان مرکزی همدان دست ۵ زندانی به همین جرم همزمان قطع گردیده است. دادستان مشهد به صراحت اعلام کرده است که این "آخرین" بار نخواهد بود که این عمل شنیع و ضد انسانی به

بازتاب هفته

دغدغه های احمدی مقدم و بهمنی که در راه است



هادی وفاقی

هفته گذشته برخی سایت های خبری گزارش دادند که سردار اسماعیل احمدی مقدم، فرمانده نیروی انتظامی ایران در نامه ای به محمود احمدی نژاد از او خواسته است که اطلاعات مربوط به طرح هدفمند کردن یارانه ها را در اختیار وی قرار دهد تا "نیروی انتظامی با علم به عوارض اجرای این سیاست، بتواند از حوادث و واکنش های احتمالی آن جلوگیری بعمل آورد". بر اساس این گزارش ها پاسخ احمدی نژاد به خواسته احمدی مقدم این بوده است که "بهرتر است ناجا به وظایف خود عمل کند. گزارش شما تحت تأثیر اخبار نادرست است".

هر چند آبروریزی ناشی از پاسخ احمدی نژاد به سردار احمدی مقدم که در آن گونه ای غیرمستقیم به او یادآور شده بود که هیچ وظیفه ای جز سرکوب و خونریزی ندارد و باید فقط به وظیفه خود عمل کند، فرمانده نیروی انتظامی را وا داشت تا وجود این نامه را منکر شود اما در عین حال، او به هیچ وجه نتوانست نگرانی های خود را پنهان کند و اتفاقا اخبار موثق تری را از زبان خود در اختیار رسانه ها قرار داد. رئیس پلیس پایتخت ایران در حاشیه اولین نشست فرماندهان مرزبانی کشور به خبرنگاران گفت که هفته گذشته جلسه ای را با حضور رئیس جمهوری و رئیس سازمان هدفمند کردن یارانه ها داشته و اطلاعات لازم را در باره ابعاد هدفمند کردن یارانه ها که به نیروی انتظامی باز می گردد، دریافت کرده است! احمدی مقدم که پیشتر در سخنان پیش از خطبه های نماز جمعه تهران، نسبت به خطر "قتله اقتصادی" هشدار داده بود، نگرانی اصلی اش از تبعات اجتماعی این طرح را چنین بیان داشت که "دغدغه ما این بود اتفاقاتی نظیر طرح سهمیه بندی بنزین بیافتد اما تصور نمی کنیم اجرای این طرح بار امنیتی داشته باشد و اشاره اش هم به حوادث تیرماه ۸۶ بود که پس از

علوی، قائم مقام وزارت اطلاعات از آمادگی این وزارتخانه برای سرکوب مردمی خبر داد که قرار است مفتخوری ها و دست درازی های حکومت آیت الله های میلیاردر را به زندگی و معیشت شان تحمل نکنند. او از ردیای دشمن در ایجاد مشکلات اقتصادی خبر داد و اینکه برخی شرکت ها و مؤسسات موظف شده اند از جانب آن دشمن فرضی در اینمورد برنامه ریزی کنند. و بالاخره هم محسنی اژه ای، دادستان کل کشور و سخنگوی دستگاه قضایی بود که در برخورد با شورشها و ناآرامی های احتمالی آینده، آمادگی دستگاه تحت امر خود را اعلام کرد. او گفت: "اگر سیستم اطلاعاتی، امنیتی، پلیس و دولت در این زمینه درخواست کمک کنند، وارد موضوع خواهیم شد". تمام این هشدارها و شاخ و شانه کشیدن ها، نگرانی های واقعی مقامات ریز و درشت حکومت فقر و نکبت اسلامی از انقلابی است که هر آن در کمین نشسته است. و برآستی هم برای مردم راهی جز این نمانده است که انقلابشان را تداوم دهند و کار این حکومت اسلامی چپاولگران اسلامی را برای همیشه یکسره کنند. *

رژیم اسلامی "علی الحساب" گورشی را کم کند!



غلام اکبری

روز دوشنبه ۲۶ مهر مدیر عامل سازمان قطع یارانه اعلام کرد به ازای هر عضو خانوار علی الحساب ۸۱ هزار تومان به حساب واریز میشود. وی با تأکید بر اینکه برای اعلام رقم یارانه از واژه "علی الحساب" استفاده میشود، خاطر نشان کرد: مشخص نیست که این رقم متعلق به یک، دو، سه یا حتی چهار ماه مصرف هموطنان باشد. "گرچه طبق ادعای ایشان محاسبه این رقم "حاصل سه سال کار کارشناسی از سوی دولت است"، همزمان با اجرای قانونمند کردن یارانه ها اعلام میشود که یارانه واریزی، متعلق به چند ماهه خانوارهاست. مرادی تأکید کرد: "امکان برداشت یارانه تا زمان اجرای قانون وجود ندارد". (خبرگزاری ایسنا). همانگونه

۳۵۰۰ کارگر لاستیک بارز در آستانه اعتصاب مجدد

در این میان کارفرما فقط میزبان اضافه کاری را بر عهده خود کارگران گذشته است تا هر چقدر که میخواهند اضافه کاری بکنند. همچنین تاکنون از وعده کارفرما مبنی بر افزایش مدت قرارداد کارگران از یک ماه به یکسال نیز خبری نشده است. ۹۰ درصد کارگران لاستیک بارز با قرارداد موقت یکماهه در این کارخانه مشغول بکار هستند. یکی از خواسته های کارگران در اعتصاب اوایل مهر ماه افزایش مدت قراردادشان از یکماه به یکسال بود و کارگران با وعده تحقق این خواست از سوی کارفرما و همچنین تشکیل کمیته ای برای رسیدگی به سایر خواسته هایشان از جمله افزایش دستمزدها به اعتصاب و اعتراض خود پایان دادند.

کارگران لاستیک بارز اعلام کرده اند چنانچه تا ۷ آبان خواسته هایشان عملی نشود بار دیگر دست به اعتراض خواهند زد.

بنا بر گزارش منتشر شده از سوی اتحادیه آزاد کارگران ایران، مدیریت کارخانه لاستیک بارز بعد از پایان اعتصاب چهارروزه کارگران، پاداش تولید آنان را به مبلغ ۵۰ تا ۲۰۰ هزار تومان کاهش داد. در این کارخانه پاداش تولید کارگران بصورت دو ماه یکبار و در ماههای فرد سال پرداخت میشود. بدنبال اعتصاب چهار روزه ۳۵۰۰ کارگر این کارخانه که روز هفتم مهر ماه جاری به پایان رسید رئیس اداره کار کرمان با حضور در میان کارگران به آنان وعده داد بزودی کمیته ای برای رسیدگی به خواسته های این کارگران تشکیل خواهد شد اما بنا بر اظهار کارگران این کارخانه نه تنها تاکنون از تشکیل چنین کمیته ای خبری نشده است بلکه کارفرما میزبان پاداش این کارگران را نیز کاهش داده و از سوی دیگر به دلیل کمبود کائوچوی طبیعی برخی از پرسنهای تولید لاستیک این کارخانه نیز خوابیده است.

که ملاحظه میکنید هنوز اجرای قانون اعلام نشده است و مردم تا کنون "حلولاً! حلولاً!" اینها را شنیده اند در حالی که در بازار قیمت ها طی بخصوص دو ماه اخیر بالا و بالاتر رفته است. قبلاً اعلام کردند که به بیش از ۶۰ درصد مردم زیر خط فقر زندگی میکنند اما این آمار ۶۰ مربوط به سالهای قبل است که خود رژیم اعلام کرده بود، اما با گرانی بیشتر در سالها و ماههای اخیر به دلیل اعلام قطع یارانه ها و مساله تحریمهای گسترده بین المللی، روشن است که چند میلیون دیگر نیز به زیر خط فقر رانده شده اند. بیانیتهای برای ساده شدن مسئله یک مثال بزینیم. اگر سال ۸۸ قبل از شروع شایعات جلدی در باره طرح قطع یارانه حداقل دستمزد که بتواند زندگی انسانی یک خانواده ۴ نفری را تأمین کند یک میلیون تومان بود، امروز با تورم ۳۰ درصدی، همان خانوار باید ۱۳۰۰۰۰ تومان درآمد داشته باشد تا قدرت خریدش برابر همان میزان سال قبل باشد. و با اجرای طرح قطع یارانه ها که قیمتها بنا به

اعتراف نمایندگان مجلس اسلامی و بانک مرکزی چندین برابر خواهد شد دستمزدها و حقوقها باید به دو میلیون تا ۴ میلیون تومان برسد تا نیاز خانواده ها را تأمین کند. بنا به تبلیغات طراحان قطع یارانه ها قرار است ماهانه ۱۲۲۰۰ تومان یارانه نقدی به هر شهروند بدهند. خب به فرض که این عملی شود که نمیشود، سهمیه ماهانه این خانواده میشود ۶۸۴۰۰ تومان. یعنی یک خانواده کارگری با حقوق بگیر که بقرض ماهانه ۴۰ هزار تومان درآمد داشته با پرداخت فرضی یارانه های نقدی ۴۶۸ هزار تومان در آمد خواهد داشت. اینرا حتی اگر دو برابر کنید بازهم بسیار زیر خط فقر خواهد بود. هر جور که محاسبه کنیم به این نتیجه میرسیم که برای اینکه مردم بتوانند زندگی کنند راه چاره این است که فعلاً "علی الحساب" رژیم اسلامی سرمایه داران را ساقط کنند تا هم خود نفس راحتی بکشند و هم بشریت را از دست این دزدان کلاش نجات دهند. *

تلفن تماس با حزب در خارج از کشور

خلیل کیوان، دبیر کمیته خارج ۰۰۴۶۷۰۴۱۵۸۹۹۹

تلفن تماس با حزب از ایران

شهلا دانشفر: دبیر کمیته سازمانده ۰۰۴۷۷۷۹۸۹۸۹۶۸

آدرس پستی:

I.K.K, Box: 2110, 127 02 Skärholmen - Sweden



اطلاعیه شماره ۴۸:

حکم بازداشت بهنام ابراهیم زاده برای یک ماه دیگر تمدید شد

شهرستان است و باید از تهران باشد و سرانجام روشن شد، که همه اینها بهانه بوده و تصمیم به ادامه بازداشت وی گرفته اند. جرم بهنام دفاع از حقوق کارگر، دفاع از حقوق کودک و مبارزه برای یک زندگی انسانی است.

بهنام ابراهیم زاده، منصور اسانلو، رضا شهبانی، ابراهیم مددی و همه زندانیان سیاسی باید فوراً از زندان آزاد شوند.

کارگر زندانی، زندانی سیاسی آزاد باید گردد

"کمپین برای آزادی کارگران زندانی"
۲۴ مهر ۱۳۸۹ - ۱۶ اکتبر ۲۰۱۰

0044-77798 98968

شهلا دانشفر

Shahla_Daneshfar@yahoo.com

0044-7852 338334

بهرام سروش

Bahram.Soroush@gmail.com

برای امضای طومار اعتراضی کمپین برای آزادی کارگران زندانی و پیگیری اخبار مربوط به کارگران زندانی به وب لاگ ویژه این کمپین سر بنزید.

<http://free-them-now.blogspot.com/p/>

سرکیسه نماید. گرانی بالای ۳۰ درصدی که خودشان اعلام کرده اند، بالا رفتن نجومی قیمت کالا های مصرفی مورد نیاز مردم، گرانی بنزین، برق و گاز و... زندگی را بر مردم سخت تر کرده است. با اجرای طرح هدفمند کردن یارانه ها فشارها بر کرده مردم زیادتر شده و می شود. می گویند که شورش در راه است، مدام صحبت از "فتنه اقتصادی" می کنند. تحریم ها تبدیل به یک "تعمت الهی" دیگر برای رژیم شده تا به بهانه مقابله با تحریم ها شدیدترین فشارهای سیاسی و اقتصادی را بر مردم تحمیل بنماید. در این میان یک نکته مسلم است که جمهوری

های خودروسازی نظیر ایران خودرو، سایپا، دیزل و بنزخاور، ضمنی تأیید می کنند که مشکلات زیادی برای تأمین قطعات حساس الکترونیکی، و سیستم برق ماشین و ترمز دارند که دلیلش تحریم هاست. اما دولت، سپاه و مدیران که خودبخش اعظم این صنایع را در اختیار دارند خبر از رونمایی از تولید خودرو با امکانات داخلی و خودکفایی نظیر تندر ۱، و نیسان و رنو داده و نمایشگاه اتومبیل برپا کرده و اعلام می کنند که تحریم ها را دور زده و خودکفا شده اند! اما یکی دو ماه بعد از اعلام این "خودکفایی" مدیریت ایران خودرو و شرکت های تولید کننده قطعات یدکی اعلام می کنند که به دلیل تحریم ها و کمبود مواد اولیه بخش های زیادی از تولیدات در این بخش با نصف ظرفیت کار کرده و صحبت از تعدیل نیروی انسانی و تعطیلی بخش های تولید تندر و سمند کرده اند! برخی از دست اندرکاران حکومتی و از جمله گروهی از نمایندگان مجلس در این فضای نگرانی و از هم گسستگی اقتصاد جمهوری اسلامی، خواهان این شده اند که دولت در فضای تحریمها، اجرای طرح یارانه ها را کنار بگذارد.

اما دولت احمدی نژاد این را شکست اساسی میدانند و تلاش دارد هر طور شده این طرح را به اجرا بگذارد. دروغ بافی و تناقض گویی در حول و حوش این مساله به سیاست دولت تبدیل شده است. برای مثال در مورد گندم اعلام کرده بودند که تبدیل به صادر کننده گندم شده اند. اما وقتی که در بحث یارانه ها و موضوع آرد و نان اعلام کردند که در حال تهیه کالاهای استراتژیک برای تأمین رفاه مردم می باشند، گندم را هم که قرار بود صادراتی باشد در کنار لیست ۴۰۰ قلمی واردات استراتژیکشان قید کردند! در مورد صنایع لاستیک سازی و تهیه مواد لازم برای تولید لاستیک رسماً اعلام کرده اند که کارخانجات لاستیک سازی البزر و یزد به دلیل کمبود مواد اولیه به بحران روبرو بوده و تا دیر نشده باید کاری بکنند. و از این نمونه ها زیاد است. بعد از گذشت نزدیک به ۶ ماه از اجرای قطعنامه ۱۹۲۹ سازمان ملل، تحریم ها اثراتش را بر پیکر اقتصاد بیمار رژیم گذاشته است. در این میان تمام سعی و تلاش رژیم این است که بار تحریمها را بر دوش مردم انداخته و مردم را به انحاء مختلف



جمهوری اسلامی و تحریمها!

محمد شکوهی

بعد از گذشت نزدیک به شش ماه از اجرای قطعنامه ۱۹۲۹ سازمان ملل مبنی بر اعمال تحریمهای "هدفمند و هدایت شده" بر علیه جمهوری اسلامی ویا استناد به اعترافات و اظهارات خامنه ای و دیگر مقامات حکومتی، فشارهای زیادی به بخش های اصلی اقتصاد و کلبی صنعت و اقتصاد در ایران وارد گردیده است. بر اساس آخرین گزارشات منتشر شده در رسانه های معتبر جهانی تحریم های اعمال شده در نوع خود شدیدترین و موثرترین در طول سه دهه گذشته بر علیه جمهوری اسلامی بوده است. اکنون با گذشت چند ماه از همراهی مجموعه کشورهای غربی و همچنین روسیه و چین و ژاپن در اجرای تحریمها اثرات وعواقب آن بر اقتصاد بیمار و بحران زدن جمهوری اسلامی آشکارتر شده است. این روزها هر مقام و مسئول حکومتی که پیش به منبر میرسد، با اشاره به تحریمها، اندر بار چگونگی مقابله با عوارض تحریمها و راههای "خودکفایی اقتصادی اظهار نظر کرده و تحریم ها را توطئه استکبار جهانی برای به زانو درآوردن انقلاب اسلامی قلمداد میکنند. اما در عین حال تلاش و نمود نمایند که چیزی نشده و همه چیز روال عادی خودش را دارد. سیاست کلی رژیم در روبرو شدن با تحریم های جهانی اساساً بر اطلاع رسانی نادرست، نادقیق و بخشا اعلام بی اثر بودن این سیاست غرب بر علیه جمهوری اسلامی بنا گردیده بود. اما در ماههای اخیر که فشار تحریمها زیاد تر شده و اثراتش در همه بخش های مهم اقتصاد و صنعت حکومت قابل مشاهده است، نوع برخورد دولت و حکومت به تحریم ها اساساً فرق کرده و رژیم اعتراف می کند که تحریمها اثرات "محدودی" بر اقتصاد گذاشته است. در همین مورد داد و فغانشان بلند شده و همدیگر را متهم به کمک به اعمال تحریمها از سوی غرب میکنند. این فضا و نگرانی در درون صفوف حکومت از اثرات تحریمها در به زانو در آوردن حکومت باعث شد که خامنه ای این هفته در سفرش به قم بخش قابل توجهی از روضه خوانیهایش را به تحریمها اختصاص

یک دنیای بهتر برنامه حزب را بخوانید
و در سطح وسیع توزیع کنید

کمک مالی به تلویزیون کانال جدید

تشکیلات حزب، بریتانیا ۱۳۵ پوند
حبیب بکناش ۱۰۰۰ دلار
مسعود ارژنگ ۱۰۰ دلار
سلیمان سیگارچی ۲۰۰ دلار

شماره حساب و تلفن تماس برای کمک مالی

کمک مالی خود را میتوانید آنلاین از هر جای دنیا با مراجعه به سایت زیر (از طریق paypal) ارسال کنید. لطفا قید کنید که کمک ارسالی شما برای کانال جدید است:

<http://www.countmein-iran.com>

سوئد:

Sweden, Post Giro: 639 60 60-3
account holder: IKK

برای کمک مالی به کانال جدید در سوئد همچنین میتوانید با فواد روشن با شماره تلفن ۰۷۰۸۷۷۱۴۵۳ تماس بگیرید، تا با دادن شماره حساب خود اتوماتیک هر مقدار که مایل باشید از حساب شما برداشته شود.

آلمان:

583657502 Germany, Rosa Mai, Konto. Nr.:
Bankleitzahl: 37010050, Post Bank

کانادا:

Scotiabank Canada, ICRC
Dixie Rd, Mississauga, L4W 2R1 4900
Account #: 84392 00269 13

هلند:

Bank: RABOBANK, Darande hesab: FVIVN
Shomare hesab: 15 13 50 248
Adres: EINDHOVEN
IBAN No: NL74 RABO 0151 350 248

آمریکا:

Bank of America
277 G Street, Blaine, Wa 98230
phone # 1-360-332-5711, Masoud Azarnoush
Account number : 99 - 41581083
wire: ABA routing # 026009593
swift code : BOFAUS3N

شماره حساب انگلیس ویژه کمک از انگلیس و از هر کشور دیگر:

England, Account nr. 45477981
sort code: 60-24-23, account holder: WPI
, Bank: NatWest branch: Wood Green
81 4779 IBAN: GB77 NWBK 6024 2345
NWBK GB 2L BIC:

سوالی دارید میتوانید با شماره های زیر تماس بگیرید:

از اروپا: سیامک بهاری: ۰۰۴۶۷۳۹۸۱۸۰۵۱
کانادا و آمریکا: فاتح بهرامی: ۰۰۱۴۱۶۷۲۹۷۲۵۷
مصطفی صابر: ۰۰۱۶۰۴۷۳۰۵۵۶۶
از ایران: عبدال گلپریان ۰۰۳۵۸۴۰۵۷۵۸۲۵۰

پخش زنده کانال جدید هر روزه از طریق سایت کانال جدید نیز قابل مشاهده است: www.newchannel.tv

مشخصات کانال جدید

کانال جدید را بر روی هات برد، فرکانس ۱۱۲۰۰
۵/۶ : FEC، پلاریزاسیون عمودی، سیمبل ریت: ۲۷۵۰۰
هرروزه از ۸ تا ۱۰ شب به وقت اروپای مرکزی (۹ و نیم تا ۱۱ و نیم شب به وقت ایران در شبکه KBC ببینید.

سفر خامنه ای به قم و مشکل حکومت با "خواص"

غلام اکبری

انقلاب مردم از تابستان ۸۸، بخش زیادی از این خواص خوشحال شدند که با رژیم در حال ریزش، دل بسته و وابسته نیستند یا حداقل فاصله خود را با آن حفظ کرده اند. در واقع حکمت اصلی سفر خامنه ای به قم همینست که در شرایطی که حکومت با تهدید "فتنه اقتصادی" یعنی اعتصابات و اعتراضات مردم بر سر گرائی و تداوم انقلاب مردم مواجه است، تلاش کند صفوف حکومت را از چند دستگی و شکافهای عمیق برهاند یا حداقل چند دستگی ها را کمتر کند. اما خود نیز میداند که دقیقاً به دلیل همان تهدید زنده انقلاب مردم علیه حکومت، هر بخشی از این "خواص" ساز خود را میزند و سعی میکند با خامنه ای و احمدی نژاد و شرکا کمتر تداعی شود. به این خاطر است که خامنه ای در واقع "مردم" قم را تحریک میکند تا نیروی فشاری بشوند بر "خواص" قم. برای این کار وعده هایی هم به قمی ها میدهد. او با مروری بر تاریخچه قم میگوید: "به دلیل اینکه قم از دوران طاغوت مغضوب دستگاه حکومت آن زمان بود عقب افتادگی های ممتد دارد که باید مسوولین یا جدیت و به سرعت آنها را برطرف کنند... براساس گزارش ها از سال ۸۴ اقدامات خوبی برای پیشرفت این شهر انجام شده... رهبر جمهوری اسلامی با اشاره به مشکل شهر قم در خصوص آب اظهار داشتند: از چند سال پیش این

بنا به گزارش خبرگزاریهای جمهوری اسلامی خامنه ای در سفرش به قم... ضمن انتقاد از شایعه سازی ها علیه قوای سه گانه به ویژه دولت و نادیده گرفتن زحمات آنها، تصریح کردند: اینگونه اقدامات به هیچ وجه به صلاح کار و آینده کشور نیست. همبستگی مردم و خواص با قوای سه گانه کشور باید روزبه روز بیشتر شده و مساعدت ها به ویژه با قوه مجریه که کارهای بسیاری را بر عهده دارد، افزایش یابد. ظاهراً رهبر جمهوری اسلامی از "مردم" و "خواص" میخواهد که با رژیم اسلامی همبستگی و مساعدت داشته باشند. اما با توجه به روابط خامنه ای و دولت جمهوری اسلامی با "خواص" (همه میدانند که آیت الهه هابی مورد نظرند که با سران حکومتی مخالفت و یا حداقل برایش تره خورد نمیکند). در اصل خامنه ای میخواهد با تحریک کردن "مردم"، "خواص" را مجاب کند که به کشتی پوسیده جمهوری اسلامی که در حال غرق شدن است وارد شوند. خامنه ای به "خواص" نیاز دارد تا اتوریته ای بین خودی ها بدست بیاورد، اگر قرار است رهبر سیاسی مذهبی مسلمین جهان لقب بگیرد باید "خواص" هم با او و دولتش همبستگی و مساعدت کنند. که تا حالا طی این سالها نکرده اند. بخصوص بعد از بخیابان آمدن

تلویزیون کانال جدید را تماشا کنید به دوستان خود معرفی کنید،**به آن کمک مالی کنید!**

کانال جدید مجدداً به خانه های مردم ایران راه یافته است! کانال جدید صدای مردمی است که می خواهند از این زندگی سیاه و فلاکتبار خلاص شوند. کانال جدید صدای مبارزه برای سرنوشتی حکومت دزدان میلیاردی و آدمکشان حرفه ای است. کانال جدید، ابزار تغییر، همبستگی مبارزاتی، سازمانگری و انقلاب علیه نظام کثیف اسلامی است. کانال جدید مدافع پر و پا قرص آزادیخواهی، عدالت خواهی و برابری طلبی است. کانال جدید صدای اعتراض به بی حقوقی، تبعیض و نابرابری، فقر و محرومیت، سنگسار و اعدام و شلاق و شکنجه است.

به کانال جدید، صدای اعتراض و مبارزه خود کمک مالی کنید

کافی است لینک زیر را باز کنید و از طریق پی پل آنلاین (pay pal) کمک خود را واریز کنید:

<http://countmein-iran.com/donate.html>

شماره حساب های کانال جدید نیز در سایت کانال جدید موجود است.

کانال جدید را به دوستان خود معرفی کنید: در برنامه های پخش مستقیم شرکت کنید. میتوانید در برنامه های پخش مستقیم با شماره تلفن ۰۰۱۳۱۰۸۵۶۹۸۹۷ شرکت کنید.

صلح با طالبان و ... از صفحه ۱



بهروز مهرآبادی

هدف آن مذاکره و برقراری صلح با نیروهای طالبان اعلام شده است. اعضای این شورا از روسای قبایل، شیوخ مذهبی، فرماندهان جهاد و همچنین فرماندهان سابق طالبان و افراد بانفوذ دیگر تشکیل می شوند. اعلام شده است که این شورای ساخت دست دولت قرار است مستقل از دولت افغانستان کار کند. اخیرا اعلام شد که دولت افغانستان در سالهای اخیر با طالبان مخفیانه تماس و مذاکره داشته است، اما پس از واکنش هایی که در مقابل این خبر بوجود آمد حامد کرزای اعلام کرد که این تماس ها شخصی بوده است. با توجه به حمایت های دولت آمریکا از کرزای این تماس ها نمی تواند بدون موافقت آمریکا انجام شده باشد. مقامات آمریکائی اعلام کرده اند امنیت رهبران طالبان برای ورود به کابل و مذاکره را تضمین می کنند اما طالبان هنوز پاسخ مثبتی به مذاکره ن داده اند و سخنگوی آنها در یک مصاحبه شرط مذاکره را خروج نیروهای خارجی از افغانستان اعلام کرد.

در ماه خرداد "جرگه مشورتی صلح" با شرکت ۱۶۰۰ نفر از روسای قبایل و منتقدین محلی تشکیل شد افراد این جرگه منتخب دولت بودند. ظاهرا چنین ارگانی در نهاد های قانونی افغانستان تعریف نشده و به همین دلیل مخالفت هایی با آن در افغانستان انجام شد. اما این جرگه مستقل از مجلس و سایر ارگانهای رسمی قطعنامه ای تنظیم کرد و مفادی را به دولت افغانستان تکلیف نمود و آقای کرزای هم خود را ملزم به اجرای این مفاد اعلام کرد. تشکیل "شورای عالی صلح" نیز از مصوبات جرگه بود. جرگه همچنین خواستار آزادی زندانیان متهم به همکاری با طالبان و حذف نام رهبران طالب از لیست تحریم سازمان ملل شدند. قطعنامه ۱۶ ماده ای جرگه تاکید زیادی به قوانین اسلام، به مردم متدین

و علمای اعلام دارد. با وجود شرکت تعدادی زن در این جرگه حتی به یک نفر از آنان اجازه صحبت داده نشد. اما با وجود این چراغ سبز ها طالبان مخالفت خود را با پرتاب دو موشک به طرف محل برگزاری جرگه نشان دادند. دولت آقای کرزای را نمی توان یک دولت واقعی نامید. واقعیت این است که بدون حضور و حمایت نیروهای ناتو این دولت نمی تواند چندان دوامی بیاورد. فساد مالی، ارتشا و اختلاط شدید بین سران دولت، برقراری و اجرای قوانین اسلامی و باج دادن به نیروهای اسلامی باعث شده که کوچکترین جایگاهی در بین مردم نداشته باشد. فقر روز افزون، حفقان و نا امنی برای شهروندان حتی در پایتخت و محل تمرکز نیروهای دولتی بیداد می کند. عملا گروههای مسلح اسلامی و روسای قبایل هستند که بر مردم حکم می رانند و قوانین را تعیین و اجرا می کنند. تقلبات انجام شده در انتخابات اخیر پارلمان اقتضای های بسیاری بنبار آورد و اعلام نتایج انتخابات چند بار به تعویق افتاده است. نزدیکی با طالبان حتی بین متحدین قبلی دولت هم شکاف انداخته است. بعضی از سران با نفوذ اتحاد شمال نظیر عبدالرشید دوستم که دشمنی سنتی و دیرینه با طالبان دارند از شرکت در جرگه صلح خودداری کرده و مخالفت خود را با آن اعلام کردند.

تشکیل این شورا و تلاش برای جلب موافقت طالبان را باید نشانه به بن بست رسیدن و حتی شکست نیروهای آمریکا و متحدانش در افغانستان ارزیابی کرد. در حال حاضر بخش های وسیعی از افغانستان در کنترل طالبان قرار دارد. طالبان قوانین اسلامی را در بسیاری به اجرا در می آورند. مدارس را می بندند، سنگسار و اعدام می کنند، دست و پا قطع می کنند و دسترنج مردم را به غارت می برند و دولت و حامیان نظامی اش کوچکترین واکنشی از خود نشان نمی دهند. دفتر امنیت سازمان های غیر دولتی شاغل در افغانستان (ANSO) به کلیه سازمان های غیر دولتی شاغل در این کشور هشدار داده است که برای فعالیت های خود از طالبان مجوز بگیرند تا مورد حمله واقع نشوند. طالبان برای نشان دادن کنترل خود بر افغانستان دفاتری را برای ثبت این گروه ها ایجاد کرده

است. نفوذ و قدرت دستجات مسلح تا حدی است که حتی نیروهای آمریکا برای حفاظت خود از آنها کمک می گیرند. نزدیک به ۶۰ شرکت خصوصی بیش از ۴۰ هزار نیروی مسلح در اختیار دارند که امنیت تجارت بخش خصوصی، سفارتخانه ها، دیپلماتها و پایگاههای نظامی ناتو را بعهده دارند. گفته می شود که بسیاری از این شرکت ها وابسته به طالبان هستند و در حقیقت آمریکا برای حفاظت نیروهای خود به طالبان باج می دهد.

مردم افغانستان بزرگترین بازندگان مذاکرات و کشمکش های دولت افغانستان، نیروهای طالبان و نیروهای آمریکا بوده اند. دولت اسلامی افغانستان توانسته است در مدت کوتاه حکومت خود ارقام حیرت انگیز دزدی و ارتشا و چپاول و غارت را ارائه دهد. این دولت توانسته در سازش با نیروهای اسلامی قوانین ضد زن و آزادی ستیز را به اجرا درآورد. نیروهای طالبان و سایر گروههای اسلامی توانسته اند با به کنترل درآوردن بخش وسیعی از افغانستان مدنیت را از بین ببرند و قوانین اسلامی سنگسار و اعدام و قطع دست و پا را به اجرا بگذارند، مدارس را ببندند و هر گونه رنگ و بوی شادی و انسانیت را از مناطق تحت سلطه خود پاک کنند. و نیروهای نظامی آمریکا از جنایات دولت افغانستان حمایت کرده و با حملات کور به مناطق غیر نظامی موجب کشته و زخمی شدن هزاران نفر شده است. شورای عالی صلح در حقیقت با هدف ادامه و گسترش جنگ بر علیه مردم زحمتکش افغانستان تشکیل شده است. توافق و سازش بین این نیروهای ارتجاعی به معنی ادامه و حتی گسترش سرکوب مردم افغان است.

اسناد منتشر شده از فساد مالی وسیع، از مذاکرات پنهانی با طالبان و از پرداخت پول به گروههای اسلامی فشار زیادی به دولت آمریکا و متحدانش وارد کرده است. حملات وسیع طالبان به نیروهای آمریکائی و ناتو در هفته های اخیر بیلان حضور چندین ساله آنها را مورد سوال قرار داده و افکار عمومی این کشور ها را بر علیه حضور نظامی ناتو در افغانستان برانگیخته است. به پایان مهلتی که اوایما برای خروج نیروهای آمریکا از افغانستان قولش را داده

است چیزی نمانده. آمریکا بخوبی می داند که در این مدت کوتاه امکان بوجود آوردن یک نیروی داخلی که بتواند در مقابل طالبان مقاومت کند ندارد، بنابراین چاره ای جز مذاکره و سازش با طالبان برایش نمانده است. شرایط افغانستان بی تاثیر از دولت های منطقه نیست. دولت های پاکستان، ایران، عربستان و حتی ترکیه تلاش می کنند نیروهای هوادار خود را در افغانستان تقویت کنند. دخالت های این دولت ها تاثیر زیادی در تقویت گروههای مختلف اسلامی در افغانستان داشته است. وضعیت سیاسی ایران و تاثیر آن در شرایط افغانستان ویژگی خاصی دارد. حضور بیش از یک میلیون مهاجر افغان که سالهای طولانی در ایران زندگی می کنند و همواره مورد سرکوب جمهوری اسلامی ایران بوده اند، بین آنها و

تجمع اعتراضی همزمان سه مرکز کارگری در اراک

شهر اراک یک مرکز مهم کارگری در ایران است. کارخانجات بسیاری در این شهر با معضل دستمزدهای پرداخت نشده و بیکارسازیها روبروینند. هم اکنون ما شاهد اعتراضات هر روزه کارگران در این شهر علیه این معضلات هستیم. از جمله روز ۱۸ مهر سه کارخانه واگن پارس، آوانگان اراک و کمباین سازی در اعتراض به دستمزدهای پرداخت نشده خود دست به تجمع زده و ورودی شهر اراک را بستند.

کارگران آوانگان اراک هم اکنون ۹ ماه است که هیچ حقوقی دریافت نکرده اند. کارگران آوانگان اراک در این روز قصد حرکت به طرف تهران را داشتند که با دخالت نیروهای انتظامی روبرو شدند. و بدنبال آن به تجمع کارگران واگن پارس و کمباین سازی که آنها نیز هر یک ۴ ماه دستمزد طلب دارند، پیوستند. در تجمع اعتراضی این کارگران نیروی انتظامی در محل حاضر بود و تلاش داشت که کارگران را متفرق کند.

تجمع همزمان سه مرکز کارگری در

اکثریت مردم ایران یک همبستگی و هم سرنوشتی بوجود آورده است. سرنوشتی جمهوری اسلامی در ایران می تواند بخش بزرگی از نیروهای اسلامی در افغانستان را ضعیف و بدون پشتوانه کند. افق برابری طلبانه و آزادیخواهانه انقلاب آتی ایران و خواست برقراری یک جامعه سکولار می تواند این آرمان ها را در افغانستان تقویت کند. اما در غیاب یک نیروی قدرتمند سکولار که بتواند بساط قوانین اسلامی را از جامعه افغانستان جمع کند و در نبود نیرویی که در افغانستان بتواند برنامه ای برای پایان دادن به بهره کشی و استثمار، به زن ستیزی و کودک آزاری و به حفقان و سرکوب، ارائه دهد، امید زیادی به بهبود شرایط در افغانستان نیست.*

اراک گام مهمی در اعتراضات همزمان کارخانجات در هر شهر و یک الگو است. تجمع همزمان کارخانجات زمینه مناسبی برای جلب همبستگی مردم شهر و شرکت فعال خانواده هاست. باید در این جهت کوشید.

تجمعات اعتراضی کارگران سه کارخانه در شهر قزوین

روز ۲۰ مهر بیش از دویست نفر از کارگران کارخانه فرنگ قزوین در مقابل این شرکت تجمع کردند و خواهان بازگشت به کار و همچنین ۹ ماه دستمزد پرداخت نشده خود شدند. همچنین روز ۲۱ مهر کارگران روغن نباتی پارس قو در اعتراض به خطر بیکار شدن خود از کار دست به تجمع اعتراضی زدند. علاوه بر این دو کارخانه، روز ۱۸ مهر ما شاهد اعتراض کارگران کارگران نارتخ قزوین در اعتراض به اخراجها و دستمزدهای پرداخت نشده خود بودیم. هم اکنون در مراکز مختلف کارگری در شهر قزوین اعتراض و مبارزه جریان دارد و این مهم است که این اعتراضات همزمان و متحد به پیش رود.

انترناسیونال

نشریه حزب کمونیست کارگری

سردبیر: کاظم نیکخواه

kazem.nikkah@gmail.com

ای میل: anternasional@yahoo.com

انترناسیونال هر هفته روز جمعه منتشر میشود

انقلابی انسانی، برای حکومتی انسانی!